



21 فبروری 2016

داکتر سید عبدالله کاظم

مکتی بر معضله پشتونستان - داؤد خان و روابط با پاکستان (قسمت دوم)

متن بیانیه محمد داؤد صدراعظم در لویه جرگه 1334

(این بیانیه بطور مکتب بعد از نشر بار اول در همان سال در هیچ جای دیگر به نشر نرسیده و از آن به بعد دیگران فقط با نشر دو پراگراف اخیر آن اکتفا کرده اند و شاید دلیل آنهم عدم دسترسی به متن مکتب بوده باشد. اینک بعد از گذشت 63 سال میخوام آنرا به حیث یک سند مهم تاریخی خدمت علاقمندان تقدیم دارم)

درباره لویه جرگه سال 1334 باید گفت که این لویه جرگه با در نظر داشت تیره شدن روابط بین افغانستان و پاکستان بنا بر پیشنهاد محمد داؤد صدراعظم و موافقت حضور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بتاريخ 22 عقرب در تالار قصر "ستور" پس از تلاوت چند آیه کلام الله مجید و بیانیه مختصر اعلیحضرت که قانوناً ریاست این مجلس بزرگ ملی را بعهده میداشته باشد، افتتاح گردید. طوریکه در مقدمه مصوبه لویه جرگه تذکر رفته: «به سببی که ذات ملوکانه در تمام جلسات لویه جرگه حضور بهم رسانیده نمی توانستند، به شاغلی محمد نوروز رئیس دوره نهم شورای ملی امر فرمودند که مجلس را به انتخاب یکنفر نائب رئیس دعوت نماید.» بعد از آنکه اعلیحضرت مجلس را ترک گفت، حسب الامر انتخاب نائب رئیس مطرح شد و در نتیجه محمدگل مهمند وکیل ولایت مشرقی به نیابت رئیس مجلس لویه جرگه انتخاب شد. سپس به اجازه رئیس مجلس، محمد داؤد صدراعظم بیانات مفصل خود را بحضور مجلس قرائت کرد که متن آن از این قرار میباشد: (صدراعظم در این بیانیه کوشیده تا به جوانب مختلف موضوع روشنی اندازد، لذا از ذکر شرح مزید در زمینه صرف نظر شده و راساً به اقتباس اصل متن بیانیه پرداخته میشود، البته در مواردی که بعضاً ایجاب توضیح مختصر نماید، مطالبی در داخل براکت [...] و نیز در پاورقی از این قلم علاوه میشود)

(آغاز متن بیانیه):

بسم الله الرحمن الرحيم

شاغلی محترم رئیس لویه جرگه و نمایندگان محترم مردم!

زمانیکه حس گردید نیم قاره هند آزاد شدنی است، از همان وقت حکومت افغانستان در مذاکرات خود توجه و دقت اولیای امور حکومت برطانیه را در تعیین سرنوشت برادران پشتونستانی خود پیش از پیش جلب و هنگامیکه مذاکرات وفد برطانیه با زعمای هند آغاز میگردد، حکومت افغانستان موضوع سرنوشت این مردم را باز بحکومت برطانوی یادآوری نمود و در وقتیکه حکومت انگلستان تصمیم خود را برای بیرون شدن از هند اعلان کرد، وزارت خارجه افغانستان توسط یادداشت هائیکه بوزارت خارجه انگلستان در لندن و اداره امور خارجه حکومت مؤقتی هند در دهلی سپرد، موضوع حقوق مردم پشتونستان را بسمع هر دو حکومت رسانید.

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ



محمد داؤد صدراعظم افغانستان حین ایراد بیانیه در لویه جرگه 1334 ش منعقدہ قصر "ستور" - شہر کابل

متأسفانه پس از خارج شدن انگلیس ها از هند نه تنها در تعیین سرنوشت آنها اعتنائی بعمل نیامد، بلکه برخلاف میل و آرزوی مردم دو شرط غیرطبیعی بالای شان تحمیل گردید که ایشان یا بکشور هندوستان و یا با پاکستان ملحق شوند. حالانکه ملت پشتونستان بیکی از آنها ملحق شدن را آرزو نداشت و برای خود مختاریت و آزادی میخواست.

از آنجا که حق و عدالت متأسفانه در دنیای کنونی کمتر دیده میشود، طبعاً باین آرزو و حقوق حقۀ آنها موقع داده نشد و بصورت تصنعی در مقابل دو سؤال الحاق به هند یا با پاکستان از آنها رایگیری بعمل آمد.

مردم پشتونستان مطالبه نمودند که برای آنها یک سؤال دیگر هم که عبارت از انتخاب کشور آزاد خود شان باشد، گنجانیده شود، ولی این مطالبه آنها نیز پذیرفته نشد. ایشان با ریفرا ندیم تجویز شده مقاطعه خود را اعلان نمودند. درین وقت در تحت اداره حاکم انگلیس قوای اردوی مسلح آمپیر هند برطانوی و پولیس اشغالی آنها این ریفرا ندیم قطعی و یا به اصطلاح خود شان آزاد و عادلانه بعمل آمد و نتیجۀ آنرا هم که طبعاً پیش از پیش معلوم بود، درحالیکه قسمت اعظم مردم پشتونستان از شمول به آن انکار ورزیدند، [انگلیسها نتیجه را] با فیصدی بسیار ضعیفی بنفع خلف خود یعنی پاکستان اعلان کردند و باین ترتیب وانمود ساختند که سرنوشت یک قسمت پشتونستان یعنی صوبۀ سرحد به پاکستان مربوط شد.

درهمان وقت حکومت افغانستان اعلان کرد که این فیصله را قطعاً برسمیت نمی شناسد. راجع به قسمت دیگر آن که عبارت از علاقه های قبائلی یعنی پشتونستان آزاد باشد، نیز حکومت برطانیه و حکومت پاکستان اعلان نمودند که با آنها قرارداد های سابقه را معتبر خواهند شمرد. اعتبار آن قراردادها چیز است که امروز بچشم نتیجۀ عملی آنرا در پشتونستان آزاد مشاهده میکنیم.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

حکومت افغانستان جدائی علاقه های پشتونستان و الحاق جبری صوبه سرحد را برخلاف آرزوی مردم پشتون هم برای ملت پشتون و هم از نظر صلح و سلامت این گوشه جهان مضر و وخیم دانسته عواقب ناگوار آنرا [متواتر] بتوجه اولیای امور پاکستان می‌رسانید.

در وقتیکه مرحوم محمدعلی جناح گورنرجنرال فقید پاکستان نوابزاده سعیدالله را به حیث نماینده خصوصی خود بکابل فرستاد، حکومت افغانستان تشویش خود را نسبت به عدم فیصله سرنوشت مردم پشتونستان به نامبرده اظهار و علاوه نمود که پیشنهادات او برای امضای معاهده مؤدت در صورتیکه سرنوشت مردم پشتونستان معین نشود، عملی شناخته نمیشود. نماینده موصوف عدم صلاحیت خود را در باره مذاکرات مربوط به سرنوشت مردم پشتون وانمود کرد.

حکومت برای این مطلب نماینده مخصوصیکه عبارت از شاغلی دکتور نجیب الله خان باشد، به کراچی فرستاد. در مذاکراتیکه اولیای امور پاکستان با نامبرده نمودند، خلاصه آن نشر شده است. آنها حل این مسئله را برای آینده وعده داده و مشکلات موجوده خود را بحیث یک کشور نو تأسیس از قبیل مسئله پناه گزینان و امثال آن عذر های آوردند.

چون حکومت افغانستان حل قضیه پشتونستان را متمادی از راه مذاکره و مفاهمه دوستانه تصمیم داشت، بنابراین یک شخصیت بارز خود را به حیث سفیر کبیر و نماینده فوق العاده به پاکستان اعزام نمود تا این موضوع را در طی مذاکرات معموله دیپلوماسی با اولیای امور پاکستان مطرح نماید.

حکومت پاکستان به والاحضرت مارشال شاه ولیخان نیز از فیصله موضوع وعده هایی میدادند؛ تا اینکه مرحوم محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان که مرد مدبر و کار آگاهی بود، وفات یافت و وعده های او را نیز زمامداران پاکستان فراموش کردند، تاجائیکه گورنرجنرال جدید پاکستان [خواجه ناظم الدین] علاقه های قبائل آزاد را نیز جزء پاکستان اعلان کرد.

حکومت افغانستان اعتراض شدید خود را نسبت باین خلاف ورزی به اطلاع حکومت پاکستان رسانید و بیانیه گورنرجنرال را درباره علاقه های قبائلی تردید نمود و بصورت پروتست سفیر کبیر خود را بکابل احضار داشت.

تا اینوقت مردم پشتونستان وعده های حکومت پاکستان و اقدامات حکومت افغانستان را انتظار میبردند و چون دیدند که انتظار سودی ندارد، به تشکیلات ملی خود پرداختند، در علاقه های آزاد پشتونستان شورای ملی و ایالتی تشکیل گردید. این شوراها بین هم ارتباط قایم نمودند و حکومت مؤقتی تشکیل دادند و به نشر جراید و تشکیلات ملی آغاز نمودند. در پشتونستان محکوم نیز آزادی خواهان و حزب خدائی خدمتگار که قبلاً ارتباط خود را با احزاب سابق هند قطع نموده بودند، به مطالبه ملی خود آغاز نمودند، حزب انجمن وطن بلوچستان نیز با آزادی خواهان صوبه سرحد اشتراک هدف و مطالبه خود را اعلان کرد.

حکومت پاکستان در مقابل این نهضت به اقدامات عنیف و شدید پرداخت؛ اولاً در مقابل افغانستان به تولید مشکلات ترانزیتی و اقتصادی و پروپاگندهای مطبوعاتی آغاز نمود [از طریق نشر برنامه معروف مهرخان]، آزادیخواهان پشتونستان محکوم را در محابیس افگند، مؤسسات ملی، جراید ملی و زعمای ملی آنها را از بین برد، درمقابل حرکات آزادی خواهانه پشتونستان آزاد به بمباری و تجاوز مسلحانه پرداخت، حتی دامنه این بمباری ها تاخاک افغانستان نیز رسید، چنانچه از واقعه "مغلی"⁽¹⁾ نمایندگان محترم اطلاع دارند.

حکومت پاکستان از بدگویی و اقدامات علیه حکومت افغانستان نیز خودداری نورزید و بعضی از مطرودین ملی [مقصود احتمالاً از پوهاند عبدالحی حبیبی است که در آنوقت از کشور فرار و به پاکستان پناهنده شده بود] را در سرحدات مملکت بصورت آله پروپاگاند بر علیه افغانستان استعمال نمود که نتیجه نه بخشید.

این کشیدگی اوضاع را حکومت افغانستان آرزو نداشت و چون عواقب آن ناگوار بود، وخامت آنرا به اطلاع دول متحابه و دوست هردو کشور میرساند، شخصیت های افغانی هنگام مسافرت به خارج و یا مؤسسه ملل متحد هم به اولیای امور پاکستان و هم دول متحابه نتایج ناگوار این وقایع را خاطر نشان میساختند.

در اینوقت حکومت امریکا به هردو حکومت پیشنهاد دوستانه نمود که به تبادلۀ سفرا و توقف نشرات مخالفانه و اعمال نفوذ برای آرامی در سرحد و مذاکره در باره آن توصیه می نمود. حکومت افغانستان این پیشنهاد را با جزئی تعدیل قبول ولی پاکستان آن را رد کرد.

هنگامیکه پاکستان اگریمان سفیر کبیر کنونی خود را مطالبه نمود، حکومت افغانستان توأم با حسن نیت آمادگی خود را برای آمدن مذکور اظهار کرد. نامبرده بیک سلسله مذاکراتی آغاز نمود که بالاخره در آن هیچگونه اطمینان درباره فیصله سرنوشت مردم پشتونستان دیده نشد و چون حکومت پاکستان برای مذاکره درین مسئله حاضر نمی شد، حکومت افغانستان از فرستادن سفیر کبیر به کراچی خودداری می نمود، چونکه این اقدام را بیضرورت [بی لزوم] می دانست.

هنگامیکه "فلیپ جسیپ" سفیر کبیرسیار حکومت امریکا برای یک مسافرت مؤقتی بکابل آمد و نیز هنگامیکه "جارج مکی" معین امور شرق در وزارت خارجه امریکا مسافرتی به افغانستان نمود، حکومت افغانستان گذارشات [گزارشات] موضوع را برای شان کاملاً حالی گردانید.

هنگامیکه والاحضرت مرحوم سردار محمدهاشم خان برای معالجه بخارج عزیمت مینمودند، دو مرتبه ازطرف حکومت مامور گردیدند که در کراچی با اولیای امور پاکستان مذاکراتی بنمایند. همچنان والاحضرت سپه سالار غازی سردار شاه محمود خان حین مسافرت شان بخارج در هر جائیکه رسیدند و با اشخاص مهمی که برخوردند، از اظهار این حقیقت خودداری نفرمودند و توجه شانرا در حل مسالمت کارانه این قضیه مهم جلب نمودند.

هنگامیکه شاغلی وزیر خارجه امریکا به مسافرات آسیائی خود آغاز نمود، ازطرف افغانستان سفیر کبیر اعلیحضرت در دهلی مامور گردید که عواقب این اوضاع را به اطلاع او برساند.

پس از آنکه عم محترم من والاحضرت سپه سالارغازی سردار شاه محمود خان از عهده صدارت استعفا دادند و بنده متصدی امور حکومت گردیدم، کوشش نمودم که مساعی ممکنه از راه دپلوماسی بعمل آورده شود. چنانچه با اعزام یکنفر شارژدافیر به کراچی اقدام نمودم و منتظر بودم که وعده های حکومت پاکستان برای آغاز مذاکره صورت عمل بگیرد. هنگامیکه آقای ریچارد نکسن معاون ریاست جمهوری امریکا بکابل آمد، با او هم نقطه نظر و حسن نیت حکومت افغانستان را واضح ساختم، ولی متعاقب آن واقعاتی بعمل آمد که حل مسئله پشتونستان را هنوز مشکل تر ساخت.

حکومت امریکا وعده کمک نظامی را رسماً به پاکستان امضا کرد. این اقدام ازیک طرف موازنه قوا را درین قسمت آسیا برهم زد و ازطرف دیگر حکومت پاکستان را به مقابل مردم بیدفاع پشتونستان جدی تر ساخت و هکذا اندیشه تهدید پاکستان را برای افغانستان قویتر گردانید. در همان وقت حکومت افغانستان این اندیشه خود را به اطلاع حکومت امریکا رسانید. وزیر امور خارجه [افغانستان] حین

مراجعت خود از مسافرت امریکا در اثر دعوت حکومت پاکستان از کراچی دیدن کرد و در موعد توقف خود با اولیای امور پاکستان و مخصوصاً صدراعظم سابق آن مملکت مذاکراتی بعمل آورد و طرفین به مفاهمه رسیدند که مشکلات خود را با تعیین هیئت های مسئول تحت بحث قرار دهند. متأسفانه این مفاهمه بنابر ابا ورزیدن حکومت پاکستان از عملی ساختن آن عقیم ماند.

همچنان وزیر امور خارجه در مسافرت فوق و مسافرت مابعد خود در امریکا اندیشه های حکومت افغانستان را در این مورد به اطلاع نوات مسئول دولت امریکا رسانیده است. حکومت پاکستان با استفاده از اوضاع برای ادغام قطعی و نهائی علاقه های پشتونستان کمر بست و پلان "یک یونت" (2) را بوجود آورد و عکس العمل این اقدام در مردم افغانستان بسیار شدید بود. چنانچه واقعه "پرچمها" (3) بمیان آمد. علی الرغم اظهار حسن نیت حکومت افغانستان برای حل این حادثه حکومت پاکستان سیاست عنودانه را پیش گرفت و نه تنها یک تهدید رسمی به افغانستان سپرد، بلکه بشتر از پنج ماه طبعی ترین حق این ملت را که حق تجارت و کسب معیشت است، تلف نمود و راه ترانزیت طبیعی دولت افغانستان را بکلی مسدود ساخت.

باوجود آنکه حکومت افغانستان قضیه "پرچمها" را باحسن نیت خاتمه داد، ولی حکومت پاکستان با اعلان عملی نمودن پلان یک یونت که در آن شمول جبری پشتونستان نیز داخل بود، دوباره هرگونه امکان بهبود علایق را بین مملکتین مختل ساخت.

من برای جلوگیری از عواقب وخیم این امر ملاقات مستقیم را از صدراعظم پاکستان خواهش کردم و چون نامبرده موضوع پشتونستان را مستثنی گردانید، این کوشش هم نتیجه نداد.

از آنجا که قضیه پشتونستان مربوط تعیین سرنوشت برادران پشتون ماست و در آن احساسات هر فرد ملت افغانستان دخیل است، بر علاوه حالات عادی حکومت ضروری دانست نمایندگان بیشتر ملت را به واسطه لویه جرگه نیز از حقایق آگاه [سازد] تا در این مورد تصمیم خود را صادر کنند. پس موضوع را حکومت بحضور اعلیحضرت معظم همایونی معروض داشته و احضار این جرگه بزرگ را استدعا نمود.

از گذارشات فوق، وکلای محترم لویه جرگه فهمیده خواهند بود که درین مدت طولانی و مخصوصاً در این ظرف هشت سال اخیر [از ایجاد پاکستان در 1947 تا 1955 تدویر لویه جرگه] از طرف حکومت افغانستان اقداماتی بعمل آمده و تاحد ممکن کوشش شده از راه مفاهمه دوستانه اهمیت موضوع را به زمامداران مسئول پاکستان حالی سازند و برای حل مسالمت جویانه آن به فیصله برسند. متأسفانه که تمام مساعی حکومت مختلف افغانستان بجای نرسید، بلکه نتیجه آخرین آن ادغام جبری مردم پشتونستان در یونت غربی پاکستان گردید و به این صورت آخرین امید ملیون ها برادر پشتونستانی ما به یأس مبدل گردید.

با این اقدام خود زمامداران پاکستان ثابت ساختند که تصمیم گرفته اند برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوقی آن قوم را خدای ناخوسته برای همیشه از بین برده و علاقه های آن را برخلاف میل آن مردم جزء لایتنجای پاکستان بسازند.

از طرف دیگر با کمکهای نظامی و اقتصادی که به پاکستان بعمل آمده و می آید، بکلی موازنه قوا را درین قسمت آسیا برهم زده و خطرات مدهشی را برای امروز و آینده افغانستان تولید کرده است،

چنانچه همین تقویۀ نظامی به پاکستان موقع داده است تا از راه جبر و ظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پایمال ساخته و برای نابودی و امحای آنها قدم های درشت و سنگین بردارند.

بنده به حیث صدراعظم و خدمتگار قوم وظیفۀ وجدانی و ملی خود را ایفا کرده نخواهم بود، اگر حقایق و خطراتی را که نظر به توضیحات فوق افغانستان در آینده به آن مواجه شدنی است، پیش از پیش به اطلاع نمایندگان محترم ملت افغانستان رسانیده نمی باشم [نرسانم].

با توضیحات فوق بهتر است خدمت وکلای محترم ملت با کمال وضاحت روشن سازم که درین موقع مهم و تاریخی دو نقطۀ بارز برای فیصله نزد حکومت و ملت افغانستان عرض وجود میکند:

1 - آیا حکومت افغانستان صدای تظلم و ندای مصرانۀ مردم پشتونستان را مربوط حمایتۀ حقوق مسلم آن برادران خون شریک خود لیبیک بگوید و حقوق مشروع و مسلم شانرا حمایه کند، یا نه؟

2 - چون موازنه قوا با کمک تسلیحاتی که با پاکستان کرده شده و میشود، دراین منطقه کاملاً بهم خورده، آیا حکومت افغانستان برای بقا و محافظۀ شرافت ملی خود بغرض تقویۀ دفاعی مملکت اقدام نماید، یا خیر؟

درخاتمه باید گفت: تصمیماتی که وکلای محترم لویه جرگه درین موقع تاریخی گرفتنی هستند، تأثیر مهم و بزرگی درحالت و سرنوشت آینده ملت دارد و من از خدای بزرگ و توانای خود تمنا دارم تصمیم نمایندگان ملت آن چیزی باشد که در آن خیر و سعادت، شرافت و ناموس ملت افغان تأمین و محافظه شده باشد.

پاینده باد افغانستان

زنده باد شاه ما

(پایان بیانیۀ محمد داؤد صدراعظم افغانستان در لویه جرگه 1334)

(ادامه در قسمت سوم: تصویب و فیصلۀ لویه جرگه)

پاورقی ها:

1 - جریان مغلکی از اینقرار بود: اراکین دولت پاکستان به کمک مشاوران انگلیسی که تا آنوقت در پاکستان خدمت میکردند، وقتی جدیت موقف افغانستان را در قضیۀ پشتونستان مشاهده کردند، به این فکر افتادند تا حکومت افغانستان را با تهدید تغییر رژیم به صرفنظر کردن از ادعای پشتونستان وادار سازند. به همین مقصد سردار امین جان برادر شاه امان الله را که از رنگون به پاکستان آمده بود و در آنجا می زیست، مورد نظر قرار دادند. موصوف به تحریک پاکستان به حواشی سرحد آمد و در صدد جمع آوری لشکر از قوم مسعود (میسود) برآمد و درطرف چند روز با یک لشکر ده هزار نفری بطرف افغانستان حرکت کرد. در این موقع پاکستانی ها جهت تقویۀ او طیارات خود را فرستادند و قریه مغلکی را که در آن عساکر افغانی و قوای قومی تمرکز داشتند، بمبارد کردند که در اثر آن عده ای مقتول و مجروح شدند. این واقعه در سال 1947 (مصادف با خزان 1328) در زمان صدارت شاه محمود خان غازی صورت گرفت. (برای شرح مزید دیده شود کتاب: "خاطرات سیاسی سیدقاسم رشتیا"، صفحه 66 و 67)

2 - در سال 1954 حکومت افغانستان سعی کرد تا در موضوع پشتونستان با پاکستان به موافقه برسد و حکومت پاکستان هم در اول بی میل نبود، زیرا آنها درگیر یک موضوع بزرگتر یعنی معضله کشمیر با هند بودند. اما اوضاع

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

داخلی پاکستان طوری بود که آزادی عمل شانرا محدود می ساخت، چون پاکستان در هنگام تأسیس به دو قسمت غربی و شرق منقسم شده بود که از هم در فاصله بیش از 1600 کیلومتر قرار داشتند. قسمت بیشتر نفوس پاکستان در بنگال [بنگله دیش امروزی] در پاکستان شرقی زندگی میکردند که همه شان را بنگالیان تشکیل میداند، در حالیکه پاکستان غربی دارای نفوس کمتر و متشکل از اقوام سندی، پنجابی، بلوچ و پشتون بودند و به ولایات صوبه سرحد، بلوچستان، سند و پنجاب تقسیم شده بودند و اما حکومت مقیم در پاکستان غربی در نظر داشت تا قدرت بیشتر در آنجا در دست داشته باشند و لذا این موضوع مشکلات را بین پاکستان غربی و شرقی بار آورده بود. زعمای پاکستان تصمیم گرفتند تا هر چهار قسمت پاکستان غربی را به زیر نام یک واحد اداری یعنی یک "یونت" در آورند تا تعادل نسبی را بین شرقی و غربی تا حدی حفظ کنند. این تغییر که در آغاز 1955 اعلام شد، در واقع حق تعیین سرنوشت پشتون ها را که افغانستان از آن حمایت میکرد، بکلی نادیده گرفت و پشتون ها را مدغم در یونت واحد پاکستان غربی ساخت. اینکار موجب بروز کشیدگی های جدی بین افغانستان و پاکستان گردید.

3 - مقصد از حادثه "پرچمها" همانا جریانی است که متعاقب اعلام تشکیل یک "یونت" در پاکستان غربی مظاهره بزرگی در کابل بر راه افتاد (البته به رهنمائی غیرمستقیم حکومت) که در نوع خود قبلاً در افغانستان نظیر نداشت. امر شده بود که متعلمین صنوف متوسطه و بالاتر لیسه های کابل را نیز به مظاهره سهیم سازند. اینجانب در آن سال در صنف هفتم لیسه حبیبیه قرار داشتم و مظاهره از شروع جاده میوند آغاز گردید و تا وقتی به مسجد پل خشتی رسید، آنقدر جمع و جوش مردم زیاد شد که راه های مسدود گردیدند. بهر حال تعداد کثیری در برابر سفارت پاکستان که در مقابل وزارت خارجه قرار داشت، بیشتر تجمع کرده و معلوم نشد که چگونه چند جوان از دیوار سفارت بالا رفته و پس از شکستادن شیشه های سفارت بیرق (پرچم) پاکستان را فرود آورده و توهین کردند که در آن زمان یک عمل بس جدی تلقی می شد و اینکار در قنصلگریهای پاکستان در جلال آباد و قندهار نیز صورت گرفت. سپس عین عمل را پاکستانی ها به حیث رویه بالمثل در سفارت افغانی و قونسلگر های آن در پاکستان انجام دادند و به بیرق افغانستان توهین نمودند که در اثر آن روابط بین دو کشور منقطع شد و عواقب بعدی آن به شمول بستن راه ترانزیت و غیره برای افغانستان درآورد بود.

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ